

تأثیر درآمدهای رانت نفت بر تمرکز قدرت سیاسی در بحرین

علیرضا بیگی^۱

چکیده:

کشورهایی که ساختار اقتصادی آنان اقتصاد رانته متکی به نفت هستند، ساختار سیاسی و اجتماعی متمایزی با دیگر کشورها دارند. این تمایز زمانی به وضوح قابل تبیین است که این کشورها دارای اقتصادی تک محصولی و به طور ویژه متکی به نفت یا گاز و یا هر رانت دیگری مستقل از فعالیت‌های مردمی باشند. کشور بحرین یکی از این کشورهاست که دارای درآمد رانته متکی به نفت و محصولات نفتی و یا خدمات نفتی است. سوال اصلی این پژوهش که به شیوه توصیفی تحلیلی با استفاده از روش منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده این است که، درآمد-های رانته حاصل فروش نفت در مجمع الجزایر بحرین چگونه موجب تمرکز قدرت سیاسی در این کشور شده است و چرا این درآمدها نتوانسته است رضایت عموم مردم بحرین را جلب کند؟ در فرضیه بیان می‌گردد که، آل خلیفه از درآمدهای حاصل از فروش نفت برای سرمایه‌گذاری‌های شخصی بهره برده و با وجود اینکه این کشور شاهد میزانی از تنوع اقتصادی بوده است اما وضعیت معیشتی شهروندان آن نسبت به درآمدهای کشور نامطلوب است.

واژگان کلیدی: نفت، درآمدهای رانته، قدرت سیاسی، بحرین، آل خلیفه

^۱ - کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

مقدمه:

با بررسی وضعیت قبل و بعد از اکتشاف نفت به‌عنوان «طلای سیاه» در بسیاری از کشورهای جنوبی حاشیه خلیج فارس از جمله امارات متحده عربی، کویت و قطر، چنین برداشت می‌شود که تولید نفت و درآمدهای حاصل از صادرات آن عامل بسیار مهمی در افزایش تنوع اقتصادی، بهبود وضعیت معیشتی مردم و ثبات قدرت سیاسی در این کشورها بوده است. مجمع الجزایر بحرین نیز که اولین کشور حاشیه جنوبی خلیج فارس است که در آن نفت کشف شد (العکری، ۲۰۱۳/۱۰/۹)، پس از تولید نفت و دستیابی به درآمدهای نفتی، شاهد نتیجه عکسی نسبت به دیگر کشورهای خلیج در بهبود وضعیت اقتصادی مردم و پویایی نیروهای مستقل اجتماعی بوده است. مجمع الجزایر بحرین به دلیل قرار گرفتن در میان چندین کشور حاشیه منطقه خلیج فارس، تا قبل از کشف نفت در سومین دهه قرن بیستم، به‌عنوان چهارراه بازرگانی، منبع عظیم ماهی و مروارید و تولید محصولات کشاورزی به‌شمار می‌رفته است. (غینغر، ۲۰۱۵: ۱۰۳؛ عبدالکریم الهانی، ۲۰۰۰: ۱۲۶؛ Kosmin, 2013.68) پس از دهه سوم قرن بیستم، بحرین به‌عنوان اولین کشور عربی خلیج فارس که نفت در آن کشف شد، از جنبه‌های دیگری مورد توجه کشورهای منطقه و بازیگران قدرتمند بین‌المللی به‌ویژه انگلستان قرار گرفت. کشف نفت و استخراج آن موجب تغییرات زیست محیطی گسترده و رکود مشاغل سنتی مردم بنیاد در بحرین گردید. نفت در سال ۱۹۳۲ میلادی توسط انگلستان در بحرین کشف شد و در سال ۱۹۳۵ میلادی شرکت نفت «BAPCO»^۱ بحرین توسط شرکت «Standard Oil» کالیفورنیا تاسیس گردید و نفت به‌بهره‌برداری رسید. (Bapco, 2017) کشف نفت در بحرین دولت این کشور را به دولتی رانتیر تبدیل کرد که بی‌نیاز از مردم و وابسته به انگلستان بود. این پژوهش در نظر دارد تا به این سؤال پاسخ دهد که درآمدهای حاصل از رانت نفتی از زمان استخراج نفت تا سال ۲۰۱۱ میلادی چگونه به تمرکز قدرت سیاسی در این کشور منجر شده است؟ در این مقاله فرض بر این است که درآمدهای نفتی در بحرین از طریق کاهش تنوع مشاغل مردم بنیاد در این مجمع‌الجزایر، از سویی به تضعیف نیروهای مستقل اجتماعی و از سوی دیگر تقویت و تمرکز قدرت سیاسی منجر شده است؛ بدین صورت که دولت بحرین با بهره‌مندی از رانت نفتی، به مشاغل سنتی و مردم بنیاد بحرین بی‌توجهی کرد و تمام تمرکز خود را صرف ایجاد منابع درآمد جدید و منحصر به

خاندان نظام مبذول داشت. حکومت بحرین درآمدهای نفتی را در خدمت مردم و خدماتی اجتماعی به کار نگرفت بلکه از آن جهت ایجاد منابع درآمد منحصر به خود و اطرافیان خود بهره برد. این نظام برای نیل به این هدف، نیروهای مستقل اجتماعی را به حاشیه رانده و با اعمال محدودیت به آنان، سعی در ایجاد تمرکز سیاسی از طریق محدود ساختن منابع ثروت به خود کرده است. این فرضیه دارای سه متغیر بوده که به شرح ذیل است:



جدول شماره ۱: سه متغیر موجود در فرضیه

تولید نفت و درآمدهای آن به عنوان متغیر مستقل، از دهه سوم قرن نوزدهم مقدمات بی نیازی نظام بحرین را از مردم این مجمع الجزایر فراهم آورد. نظام بحرین در دوران قبل از کشف نفت، برای تأمین هزینه های خود به مردم نیازمند بود لذا برای اینکه بتواند همچنان از مالیات ها و عوارض پرداختی مردم بهره مند گردد به ناچار میزانی از گشایش اجتماعی جهت فعالیت نیروهای مستقل اجتماعی فراهم آورد تا آنان مطالبات مردم را انعکاس دهند. پس از بهره برداری از نفت، مقدمات تمرکز قدرت سیاسی نظام بحرین فراهم گردید، چرا که آنچه برای خاندان آل خلیفه در درجه نخست اهمیت داشت، ثبات سیاسی و دوام سلطه آنان بود و این مهم از نظر آنان تنها توسط اتکا به قدرتی خارجی امکان پذیر بود، یعنی انگلستان. انگلستان نیز با قراردادهایی که با خاندان آل خلیفه به امضا رسانده بود متعهد گشت که در صورت انحصار قراردادهای نفتی بحرین با انگلستان، برای ثبات و استمرار ساختار سیاسی حاکم بر مجمع الجزایر بحرین، به خاندان آل خلیفه کمک خواهد. این قراردادها که از سوی مردم بحرین به

«قرارداد ذلت»^۱ نامیده شد (بیگی، ۱۳۹۵: ۶۹)، موجب شکاف گسترده میان مردم و نظام بحرین گردید. نظام بحرین برای اینکه بتواند قدرت سیاسی را به‌عنوان متغیر وابسته، تنها متمرکز به خاندان آل خلیفه کند، عرصه فعالیت کشف و استخراج نفت را برای انگلستان کاملاً مهیا کرده تا در سطح گسترده به تولید نفت بپردازد. در مقابل انگلستان نیز بر طبق توافقات میان طرفین، متضمن شد تا سلطنت آل خلیفه بر بحرین را از گزند خارجی و داخلی مصون دارد.

گسترش فعالیت‌های اکتشافی انگلستان و نفوذ آلاینده‌های نفتی به محیط زیست خسارات بسیاری به مشاغل سنتی و مردم بنیاد بحرین وارد آورد زیرا بسیاری از آبریان، فرآورده‌های دریایی، پوشش گیاهی، محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دامی به علت آلوده شدن آب و خاک بحرین به آلاینده‌های نفتی، رو به نابودی رفت. (بی‌نا، ۲۰۱۴/۱۲/۲۷) فعالیت‌های انگلستان در بحرین به عنوان یک قدرت خارجی که از اختیارات بسیاری در این کشور برخوردار بود موجب کاهش فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی مردم بحرین گشت. رانتیر شدن دولت بحرین، دخالت‌های گسترده انگلستان در امور داخلی این کشور، کاهش فعالیت‌های اقتصادی مردم بنیاد و تضعیف گروه‌های مستقل اجتماعی موجبات اعتراضات مردم این کشور را فراهم ساخت اما نظام آل خلیفه به کمک انگلستان اقدام به سرکوب این اعتراضات کرد. بسیاری از کشورهای رانتیر دیگر حاشیه خلیج فارس از جمله کویت و عربستان سعودی از درآمدهای نفتی به ویژه در دهه هفتاد و هشتاد میلادی که نفت در اوج قیمت خود قرار داشت، برای توزیع رانت میان مردم استفاده می‌کردند تا بدین طریق ثبات سیاسی خود را حفظ کنند اما بحرین با وجود نیل به درآمدهای عظیم رانتی به این اقدام مبادرت نورزید لذا اعتراضاتی از سوی مردم و گروه‌های اجتماعی متوجه نظام این کشور شد. با وجود تلاش انگلستان و خاندان آل خلیفه در سرکوب جنبش‌ها و اعتراضات مردمی، مطالبات مردم هیچ‌گاه خاموش نشد و با وجود شدت و ضعفی که در طول ۸ دهه گذشته مواجه بوده، این جنبش‌ها تا به امروز ادامه یافته است. غالب کارشناسان سیاسی-اقتصادی، بسیاری از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را با عنوان «دولت‌های رانتیر» می‌شناسند. این دولت‌ها بخش عمده‌ای از درآمدهایشان را از رانت خارجی به دست می‌آورند. بیش از نیمی از درآمدهای حکومت‌هایی همچون عربستان سعودی، بحرین، امارات، عمان، قطر و لیبی از فروش نفت به دست می‌آید لذا برای بررسی تاثیر ساختار اقتصادی بر ساختار سیاسی

اینگونه کشورها باید مفهوم «رانت» و نظریه «دولت رانتیر» را به عنوان یکی از مهمترین مولفه‌های تأثیر گذار در ساختار داخلی این کشورها مورد توجه قرار داد.

چارچوب نظری

تعاریف کم و بیش متفاوتی از سوی اقتصاد دانان کلاسیک و نئوکلاسیک جهت تبیین مفهوم رانت مطرح شده است اما آن تعریفی که به صورت کلی مورد پذیرش همگان است عبارت است از: «نوعی درآمد که بدون نیاز به تلاش و یا فعالیت مولد و ارزش افزا نصیب فرد یا گروه خاصی می‌شود».

مفهوم رانت را می‌توان با تمامی انواع مواهب طبیعی همانند موقعیت جغرافیایی، شرایط آب و هوایی و غیره به کار گرفت. رانت در کاربرد کلی به درآمدی گفته می‌شود که از مواهب و منابع طبیعی به دست می‌آید. (میرترابی، ۱۳۸۷: ۴-۵) زمانیکه درآمدهای ناشی از رانت افزایش یابد و به صورت منبع اصلی درآمد حکومت درآید، حکومت از یک دولت استخراج کننده به دولتی توزیع کننده تبدیل خواهد شد، در این زمان بخش عمده‌ای از فعالیت‌های داخلی دولت به امر توزیع درآمدهای رانتی اختصاص می‌یابد. یکی از نتایج منطقی نظریه دولت رانتیر این است که رهبران دولت نیازی به استخراج منابع ندارند لذا ضرورتی برای نمایندگی کردن از مردم احساس نمی‌کنند در نتیجه آن نوع تعاملات میان حکام و مردم که زمینه مشارکت عمومی در سیاست-گذاری را فراهم می‌کنند یا اساسا پدید نمی‌آید و یا به شکل ضعیفی به انجام می‌رسد. (میرترابی، ۱۳۸۷: ۹۱) ورود درآمدهای رانتی به اقتصاد این کشورها موجب ایجاد «اقتصاد رانتی» می‌گردد. مفهوم اقتصاد رانتی در علم اقتصاد از دهه هفتاد و هشتاد به کشورهای صادر کننده نفت و گاز اطلاق شد. اخیرا اقتصاد رانتی را تنها شامل ذخایر نفت و گاز طبیعی می‌دانند، نه برخورداری از منابع طبیعی دیگر همچون موقعیت‌های استراتژیک یا منابع معدنی. (غینگلر، ۲۰۱۵: ۴۷) با صرف نظر از محدودیت اختصاص اقتصاد رانتی به درآمدهای ناشی از فروش نفت و گاز، رانت‌های خارجی نوعی انحراف در مسیر شکل‌گیری ساختارهای دولت ایجاد می‌کنند. تأثیرات منفی رانت در عرصه سیاسی بسیار پرواضح‌تر از دیگر عرصه‌ها است. کارشناسان سیاسی-اقتصادی حوزه نفت بر این باورند که اغلب حکومت‌های رانتیر منطقه خاورمیانه از رانت نفتی و درآمدهای آن جهت کاهش فشارهای اجتماعی بهره می‌گیرند. در غیر این صورت این امکان وجود خواهد داشت که چنین فشارهایی به تقاضا برای پاسخگویی بیشتر حکومت منجر شود. این

درحالیست که در بحرین وضعیت به گونه دیگری است. حکومت بحرین نه تنها درآمدهای نفتی بحرین را میان مردم این کشور توزیع نمی‌کند بلکه اکثر ثروت‌های نفتی این کشور را صرف سرمایه‌گذاری در دیگر عرصه‌های صنعتی و عمرانی و گردشگری کرده است و درآمدهای حاصل از آن را نیز به انحصار خود و اطرافیان خاندان حاکم در آورده است؛ در صورتی که معمولاً دولت‌ها با بهره‌گیری از درآمدهای رانتهی در صدد دور ساختن طبقات جامعه از عرصه سیاسی بر می‌آیند که این کار ممکن از روش‌های ذیل صورت بپذیرد:

نخستین روش «اثر مالیات‌گیری» است. بر طبق این روش هنگامیکه حکومت درآمد کافی از فروش نفت به دست آورد، احتمالاً مالیات کمتری از مردم بگیرد و یا در اساس مالیات نمی‌گیرد، در عوض احتمال تقاضای عمومی برای پاسخگویی حکومت و نمایندگی حکام از مردم کاهش خواهد یافت. (میرترابی، ۱۳۸۷: ۲۱)

دومین روش را می‌توان «اثر هزینه‌ها»^۱ نامید. ثروت نفت می‌تواند هزینه‌های حکومت را جهت حامی‌پروری افزایش دهد و در عوض از فشارهای بالقوه برای دموکراتیک شدن بکاهد. به عنوان نمونه عربستان سعودی از ثروت نفت خود جهت تامین هزینه برنامه‌هایی استفاده می‌کند که به کاهش فشارها برای دموکراسی کمک می‌کنند. دولت کویت نیز مثال دیگری است که سعی می‌کند با بهره‌گیری از درآمدهای حاصل از استخراج و فروش نفت، خدمات رفاهی مختلفی به بخش‌های مختلف جامعه ارائه کرده و بدین وسیله مشروعیت سیاسی خود را حفظ کند. این دولت در هر زمانی و به هر دلیلی در ارائه چنین خدماتی عاجز شود با بحران مشروعیت رو به رو می‌شود، در این صورت یکی از گزینه‌های پیش روی آن برای رفع بحران، تن دادن به اصلاحات دموکراتیک خواهد بود. (همان)

روش واپسین در دور نگه داشتن طبقات جامعه از عرصه‌های سیاسی و مطالبه خواهی، «اثر شکل‌گیری گروه»^۲ است. بر پایه این روش هنگامیکه درآمدهای رانتهی به ویژه نفت، پول کافی در اختیار حکومت قرار دهد، حکومت با بذل و بخشش این پول، از شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی مستقل جلوگیری می‌کند. این گروه‌ها در صورت شکل‌گیری ممکن است مطالباتی سیاسی از حکومت طلب کنند در حالی که دولت‌های رانتهی تلاش می‌کنند تا با توزیع درآمدهای نفتی میان طبقات جامعه مانع از شکل‌گیری اینچنین گروه‌های اجتماعی شوند. (همان: ۲۳)

1- Spending Effect

2 - Group Formation Effect

تأثیر درآمدهای رانت نفت بر تمرکز قدرت سیاسی در بحرین

بحرین به عنوان کشوری که دارای درآمدهای رانتی است، در بسیاری موارد، رویکردی عکس دیگر کشورهای رانتیر در دور ساختن طبقات جامعه اتخاذ کرده است. بحرین امروزه به خاطر در اختیار داشتن منابع مالی دیگری همچون مالیات بر ساخت و ساز، گردشگری، اجاره جزایر، هتل‌ها، و با وجود ذخایر نفتی اندک، وابستگی شدیدی به درآمدهای نفتی دارد. این وابستگی به اندازه‌ای زیاد است که درآمدهای حاصل از نفت و گاز بیش از ۵۰ درصد از درآمدهای رانتی دولت بحرین را در خلال دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی تشکیل داده است. (Lawson, 1989:75-77)

اقتصاد بحرین دارای ویژگی رانتیرسیم شدید است، هر چند که کم بودن جمعیت و درآمد سرانه نفتی بالا در کاهش آثار منفی چرخه رانت و نوسان بهای نفت موثر بوده است.

با این همه، شکاف تاریخی بسیار فعالی در این کشور میان مردم و نظام وجود دارد. این شکاف میان نظام و طبقه اکثریت شیعیان عمیق‌تر است. منابع اقتصادی کشور به شکلی تبعیض آمیز به زیان شیعیان توزیع شده است. (میرترابی، ۱۳۹۱: ۲۱۲) بحرین برعکس دیگر کشورهای رانتیر عربی حاشیه خلیج فارس، با توزیع درآمدهای رانتی به دور ساختن طبقه اجتماع از سیاست و مطالبات سیاسی نپرداخت بلکه حتی در زمان‌هایی که به درآمدهای بالای رانتی دست پیدا می‌کرد آن را از مردم جامعه دریغ می‌ساخت. این کشور از درآمدهای بالای رانت نفتی به ویژه هنگام اوج قیمت نفت در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی، برای ایجاد منابع تولید بهره برده و در صدد ساخت منابع رانتی دیگری برآمد. خاندان آل خلیفه از درآمدهای بالای ناشی از افزایش قیمت نفت برای ساخت کارخانه، بنادر شخصی، آپارتمان‌های خصوصی، قصر، شعب مختلف بانکی، گردشگاه‌های شخصی، هتل، مراکز ارائه خدمات جنسی و غیره بهره برده و منابع رانتی جدیدی برای خود ایجاد ساخت. (بی‌نا، ۲۰۰۱/۱۱/۱۷)

پیشینه وضعیت اقتصادی بحرین

۸۶ درصد از درآمدهای بحرین از فروش فرآورده‌های نفتی تأمین می‌شود (خلیفه، ۲۰۱۴/۷/۱۷). در دیگر کشورهای رانتیر حوزه خلیج فارس نفت عاملی برای خاموش ساختن اعتراضات مردمی و فراهم کردن رضایت آنان از طریق آموزش رایگان، تسهیلات ازدواج، بخشش مالیاتی، وام‌های بلاعوض، نوسازی زیرساختی، بهبود خدمات عمومی، تأمین امکانات رفاهی، فراهم ساختن وضعیت شغلی و معیشتی مناسب، افزایش دستمزدها، استخدام مازاد در ساختار بروکراسی و اداری کشور و غیره به شمار می‌رود. این کشورها تلاش دارند تا با صرف بخش اندکی

از درآمدهای حاصل از رانت به مردم و جامعه، اعتراضات آنان را خاموش کرده و آنان را از سیاست دور سازند. رانت نفتی در این کشورها عامل ثبات سیاسی و امنیت داخلی به شمار می‌رود، به عنوان نمونه؛ مردم کویت و امارات متحده عربی تا سال ۲۰۱۵ میلادی از وضعیت زندگی خود راضی بودند. رضایت اقتصادی مردم این دو کشور موجب گردیده تا به سمت رضایت سیاسی نیز گرایش یابند و یا اینکه مواضع سیاسی نظام برای آنان اهمیت چندانی نداشته باشد. در عربستان سعودی و قطر نیز دولت تلاش دارد تا از طریق افزایش حقوق کارمندان و عدم وضع مالیات بر خدمات اجتماعی، مردم را از وضعیت معیشتی و اقتصادی راضی کرده و آنان را از امور و فعالیت‌های سیاسی به دور نگه دارند. (غینگلر، ۲۰۱۵: ۳۳) در بحرین وضعیت به گونه دیگری است. در این کشور رانت نفتی عامل اصلی عدم ثبات سیاسی در این کشور شده است و موجب گردیده تا تنش و بی‌اعتمادی دو ویژگی بارز روابط میان نظام و مردم بحرین گردد. (العرمان، ۲۰۰۵/۱۱/۱۴)

ظرفیت‌های اقتصادی بحرین در قبل و بعد از اکتشاف نفت

بحرین نخستین کشور حاشیه جنوبی خلیج فارس است که در سال ۱۹۳۲ میلادی در آن نفت کشف شد. کشف نفت نیز موجب گردید تا روند ماقبل نفت، پس از آن نیز ادامه یابد؛ البته نه برای صید مروارید و یا صرف استخراج نفت بلکه برای حضور در منطقه استراتژیک خلیج فارس به منظور نزدیک شدن به عنوان کانون انرژی در غرب آسیا. با کشف نفت در بحرین، شخصیت‌های ثروتمند غربی به ویژه آمریکایی‌ها^۱ جهت استخراج نفت به این مجمع الجزایر آمدند و با شرکت نفت بحرین قراردادهایی را به امضاء رساندند. (البسام، ۲۰۰۱: ۶۰) این کشورها خواهان حضور فعال در منطقه غرب آسیا و دستیابی به برخی منابع طبیعی و زیر زمینی بودند. با رو به پایان رفتن نفت بحرین در اواخر دهه هشتاد، شرکت نفت بحرین اقدام به پالایش و تصفیه نفت کرد تا همچنان از رانت نفتی درآمدزایی کند، لذا پالایشگاه نفت بحرین با همان نام «باپکو» در سال ۱۹۸۵ میلادی آغاز به کار کرد و به اهمیت این مجمع الجزایر افزود. اهمیت مجمع الجزایر کوچک بحرین رفته‌رفته با گذشت زمان افزایش یافت. تأسیس بانک‌های بزرگ و معتبر بین‌المللی اندک اندک بحرین را به یکی از مهم‌ترین مراکز پولی و بانکی غرب آسیا تبدیل کرد. منطقه آزاد بودن بحرین و تأسیس بندر بزرگ «السلمان» به همراه صنایع گسترده آلومینیوم «ALBA»^۲ موجب

۱- ونثروب راکفلر در نوامبر ۱۹۳۹ میلادی با هدف کشف نفت به بحرین می‌آید.

جلب بسیاری از سرمایه‌گذاران خارجی به این کشور شد. (مجتهدزاده، ۱۳۷۳: ۸۷-۸۸) در حقیقت باید بیان داشت که بحرین به علت برخورداری از ویژگی‌های ویژه ژئواستراتژیکی در منطقه خلیج فارس، همواره مورد توجه بوده است. در عرصه اقتصادی نیز بحرین دو دوره را تجربه کرده است: ۱- قبل از کشف و استخراج نفت ۲- پس از کشف و استخراج نفت

۱. قبل از کشف و استخراج نفت

تا قبل از کشف نفت در بحرین توسط انگلستان، عمده اهمیت اقتصادی بحرین از حیث موقعیت ویژه جغرافیایی آن بود. نزدیک بودن بحرین به شبه جزیره قطر، منطقه حجاز، سلطنت عمان، امارات متحده عربی، کویت و ایران و همچنین، قرار گرفتن وی در آب‌های آزاد و گرم منطقه خلیج فارس و قرار گرفتن در مجاورت مناطق دارای منابع دریایی غنی موجب رونق اقتصاد این کشور در چندین عرصه ذیل شده بود:

۱.۱. تبادل کالا

کشور بحرین در مسیر ارتباط چندین کشور خلیج فارس قرار داشت و این امر موجب گردیده بود تا بسیاری از تجارت‌های دریایی که در منطقه خلیج فارس صورت می‌گرفت و به برخی از مناطق دور دست همچون بصره منتهی می‌شد این کشور را به یکی از بنادر و ایستگاه‌های توقف کاروان تجاری برای مبادله کالا تبدیل سازد. در حقیقت بحرین به عنوان چهارراه ارتباطی تجار و بازرگانان دریایی تبدیل شده بود. (Kosmin, 2013: 68) عبور بسیاری از کاروانان بازرگانی و تجاری از بحرین بازار این کشور را به بازاری غنی برای یافتن و مبادله کالاهای گوناگون قرار داده بود و بازرگانانی محلی این مجمع‌الجزایر با کشورهای چینی، عربستان، ایران، هند، یمن، عراق و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس تجارت می‌کردند. (الهانی، ۲۰۰۰: ۱۱۷)

۱.۲. صید ماهی و مروارید

آب‌هایی که مجمع‌الجزایر بحرین را فرا گرفته است از جمله آب‌های غنی‌ای به شمار می‌رود که در آن ۲۰۰ نوع مختلف ماهی وجود دارد. بسیاری از انواع این ماهی‌ها در نظام غذایی انسان جای گرفته و مصرف خوراکی دارند. (همان، ۲۰۰۰: ۱۲۶) وجود ماهی‌های فراوان خوراکی بسیاری را به عرصه ماهیگیری، ساخت ابزار ماهیگیری همچون تور، قایق و غیره مشغول ساخته بود. علاوه بر آن مروارید بسیار درخشان بحرین که در این آب‌ها وجود داشته و دارد این مجمع‌الجزایر را تا سال ۱۹۳۰ میلادی به مرکز جهانی تجارت مروارید تبدیل کرده بود. (غینغلو، ۲۰۱۵: ۱۲۷)

۱۰۳) صنعت مروارید و ۵۰۰ شغل دیگر مرتبط با آن موجب شده بود تا ۱۵۰۰۰ نفر در بحرین به شغل غواصی برای صید مروارید بپردازند. (Woodward, 2015) این دو منبع عظیم و ارزشمند طبیعی که در اطراف این مجمع‌الجزایر به‌وفور یافت می‌شد باعث گردیده بود تا بسیاری از مردم به صید ماهی و مروارید روی آورده و هزینه‌های معیشتی خود را بدان روش فراهم سازند. (Hobbs, 2015)

علل افول آن

حفر چاه‌های نفتی در سال ۱۹۳۵ میلادی موجب شده بود تا بسیاری از مواد شیمیایی و ضایعات نفتی که به آب دریا هدایت می‌شدند زندگی گیاهی و جانوری درون دریا آسیب ببینند. بسیاری از گیاهان دریایی همچون جلبک‌های دریایی و همچنین بسیاری از نرم‌تنان و پاره دیگری از گیاهان و جانوران نیز در اثر آلاینده‌ها و پسماندهای شیمیایی حاصل از استخراج نفت به نابودی کشیده شدند. (بی‌نا، ۲۰۱۴/۱۲/۲۷) این عوامل موجب شد تا صنعت ماهیگیری به ویژه در سال ۱۹۹۱ میلادی با بحران و رکود شدیدی مواجه شود. صنعت صید مروارید نیز بی‌تأثیر از این آلودگی‌ها نبود اما آنچه موجب رکود این حرفه گردید به تولید مروارید مصنوعی توسط ژاپن باز می‌گردد. (خلیفه، ۲۰۱۴/۷/۱۷) در دهه پنجاه میلادی مروارید مصنوعی ژاپن که هم درخشان‌تر و هم بزرگ‌تر از مروارید طبیعی بحرین بود، بازارهای جهان را به تصرف خود در آورده و موجب افول بازار مروارید بحرین گشت، به گونه‌ای که در سال ۱۹۵۳ میلادی تنها ۱۲ قایق از ۲۰۰۰ قایقی که قبلاً به این حرفه می‌پرداختند مشغول صید مروارید بودند. (بی‌نا، ۲۰۱۴/۷/۱۷)

۱.۳. صنعت قایق و کشتی‌سازی

گسترش تجارت و دریانوری و صید ماهی و مروارید موجب شده بود تا عده زیادی از مردم نیز به صنعت ساخت و ساز کشتی و قایق روی آورند و در این صنعت نیز شهره عام و خاص شوند. (محمدحسین، ۲۰۰۹/۸/۶) تعداد قایق‌هایی که تا اواخر قرن بیستم برای صید مروارید ساخته شده بود به بیش از ۲۰۰۰ قایق می‌رسید. این حرفه به‌اندازه‌ای در بحرین رشد یافته بود که برخی از کشورهای منطقه به قایق‌سازان بحرین سفارش ساخت کشتی و قایق می‌دادند. ساخت کشتی یا قایق ماهیگیری اگرچه ممکن بود حتی یک سال به طول بینجامد اما با این وجود، هم اشتغال‌زا بوده و هم درآمد قابل توجهی نصیب سازندگان آن می‌شد.

علل افول آن

صنعت قایق و کشتی‌سازی نیز پس از استخراج نفت در بحرین بسیار تحت تأثیر قرار گرفته و با رکود شدیدی مواجه شد زیرا استخراج نفت موجب خسارت بر زندگی آبریزان شده بود که نتیجه آن، مرگ و کاهش آبریزان و ماهی‌ها بود. علاوه بر آن ورود مروارید رقابتی ژاپن به بازارهای جهانی و اشتغال یافتن بسیاری از غواصان به مشاغل مربوط به صنعت موجب کاهش میزان صید مروارید و در نتیجه کاهش رکود صنعت ساخت‌وساز کشتی و قایق گردید. (بی نا، ۲۰۱۴/۷/۱۷)

۱.۴. تولید محصولات کشاورزی

با وجود کاهش بارندگی و عدم غنای کافی خاک در بحرین، کشاورزی در طول تاریخ یکی از فعالیت‌های بسیار مهم اقتصادی این سرزمین به شمار می‌رفته است. تا قبل از استخراج نفت، تولید محصولات کشاورزی به ویژه تولید ۲۳ نمونه خرما در بحرین بسیار رونق داشت به گونه‌ای که در ۱۰۰۰۰ قطعه زمین ۶۰۰۰ هکتار نخلستان وجود داشت. فراوانی نخلستان در این مجمع الجزایر موجب شده بود تا بحرین به «کشور میلیون نخل»^۱ شهرت یابد. (دیاب، ۲۰۱۴/۳/۲۳)

کاهش باران و غنای پایین خاک بحرین اگر چه شرایط مناسبی برای تولید انواع مختلف محصولات کشاورزی نبود اما وجود چشمه‌های فراوان آب شیرین همچون چشمه «عذارى»، «قصارى»، «ابوزیدان»، «عظمه» (محمدحسین، ۲۰۰۹/۸/۶)، «کرش»، «برابر»، «أم حصاء»، «ابو علیوه» (بی نا، ۲۰۰۹/۱۰/۳) و غیره موجب شده بود تا از دهه ۸۰ میلادی مشاغل همچون پرورش گاو شیرده، پرورش پرندگان، پرورش گل و گیاه و هرس کردن درختان به وجود آید.

علل افول آن

با ایجاد شرکت نفت «باپکو» در دهه سوم قرن بیستم در بحرین، انگلستان روستای «ام نخيله» واقع در جزیره «الستره» را برای ساخت مخازن و اسکله‌های نفتی جهت ذخیره و صادرات نفت برگزید لذا نیروهای انگلیسی اقدام به خشکاندن و از ریشه بیرون آوردن نخلستان‌ها و تخریب روستاهای متروکه و مساجد قدیمی کردند تا مساحت موردنیاز برای ساخت مخازن و اسکله‌های نفتی ایجاد شود (بی نا، ۲۰۱۴/۷/۱۷). با ایجاد شرکت نفتی باپکو و در پی آن ایجاد برخی تأسیسات دیگر نفتی در قسمت‌های مختلف بحرین به ویژه در روستای «ام نخيله»، آلودگی نفتی در سرتاسر این منطقه انتشار یافت و پوشش گیاهی و نخلستان‌های بحرین را رو به نابودی برد. در

۱- بلد المليون نخلة

واقع از سال ۱۹۳۵ تا ۱۹۹۳ میلادی، ۶۰۰۰ هکتار نخلستان بحرین به ۱۵۰۰ هکتار کاهش یافت. آلودگی تمام آب‌های اطراف جزیره بحرین را فراگرفته و بسیاری از حیوانات دریایی را در معرض خطر قرار داده بود به‌گونه‌ای که در ابتدای سال ۱۹۷۹ میلادی برخی از انواع گونه‌های دریایی همچون عروس دریایی یا مرجان دریایی به‌طور کامل از آن محیط محو شدند. آلودگی آب‌های محیط شبه جزیره بحرین در سال‌های ۱۹۸۳ و ۱۹۹۱ میلادی به اندازه‌ای افزایش یافت که چندین هزار کیلومتر مربع از آب‌های شمال خلیج فارس را آلوده کرده بود و همه اینها به خاطر حفر چاه‌های بزرگ نفتی و انتشار ضایعات شیمیایی در آنجا بود. از عوامل دیگر تضعیف بخش کشاورزی عبارت بودند از: کم شدن زمین زراعی در پی احداث گسترده پالایشگاه‌های نفتی، کاهش آب مناسب برای کشاورزی، توسعه ساخت و سازهای مسکونی در بسیاری از زمین‌های کشاورزی، اقبال نیروی انسانی به سوی مشاغل مرتبط با صنعت نفت. (سويدان العکله، ۲۰۰۹/۱۲/۲۰)

۲. پس از کشف و استخراج نفت

در زمان کشف نفت در بحرین، این کشور تحت سلطه غیرمستقیم انگلستان قرار داشت. انگلستان اهداف خود در بحرین را از طریق خاندان آل خلیفه دنبال می‌نمود. آل خلیفه نیز در قبال تضمین امنیت و ثبات حکمرانی آنان بر بحرین توسط انگلستان، به صورت شفاهی و کتبی متعهد شد تا جز انگلستان با هیچ کشور دیگری معاهده تجاری یا اقتصادی از جمله استخراج منابع انرژی همچون نفت، به امضاء نرسانند. شیخ بحرین، عیسی بن سلمان آل خلیفه در سال ۱۸۸۰ میلادی ضمن امضای دومین عهدنامه تحت‌الحمایگی با انگلستان، کاملاً خود را در دامان انگلیسی‌ها انداخت. متن این عهدنامه بدین شرح است:

«من عیسی بن علی آل خلیفه، شیخ بحرین بدین وسیله خودم و جانشینانم در دولت بحرین را در برابر دولت بریتانیا متعهد می‌سازم که از مذاکره یا انعقاد هر نوع پیمان با هر کشور یا دولتی غیر از بریتانیا و بدون موافقت دولت نامبرده خودداری کنم و به هیچ دولتی اجازه تأسیس نمایندگی سیاسی یا کنسولی را بدون موافقت دولت بریتانیا ندهم». (بیگی، ۱۳۹۵: ۷۳)

انگلستان نیز که برای تأمین ناوگان دریایی خود به سوخت نیاز داشت، نفت بحرین را بهترین منبع برای تأمین این نیاز می‌دانست لذا پس از انعقاد قراردادهایی با خاندان آل خلیفه، استخراج نفت را به انحصار خود در آورد. پس از استخراج نفت و آسیبی که به محیط‌زیست به عنوان تنها

درآمد مقرون به صرفه مردم وارد شد، اقتصاد مردم بنیاد بحرین به سوی رانتیری شدن گرایید و درآمدهای ناشی از آن تنها عاید خاندان حکومتی آل خلیفه می‌گردید.

۲.۱. صنعت نفت

با اکتشاف نفت در بحرین اولین چاه نفت در سال ۱۹۳۲ میلادی در نزدیکی «جبل الدخان»^۱، مرتفع‌ترین نقطه بحرین حفر گردید. اولین محموله نفت نیز در سال ۱۹۳۴ میلادی از بحرین صادر شد. در این سال صنعت نفت بحرین عملاً شروع بکار کرد. از اولین چاه نفت روزی ۴۰۰ بشکه نفت تولید می‌شد. اولین پالایشگاه نفت این کشور در سال ۱۹۳۶ میلادی افتتاح شد و سرعت رشد کرد. تولید نفت بحرین در سال ۱۹۷۱ میلادی به ۳۵،۰۰۰ بشکه در روز رسید و طرح‌هایی برای حفر چاه‌های بیشتر و افزایش تولید وجود داشت. این میدان نفتی ابتدا «عوالی نامیده» می‌شد اما بعداً به «میدان نفتی بحرین» شهرت یافت. این میدان ۴۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و ۸۰٪ خاک بحرین را شامل می‌شود. عمق این میدان بین ۳۸۰ تا ۲۰۰۰ متر برآورد شده است و گاز نیز در عمق ۴۰۰۰ متری آن وجود دارد.

درآمدهای نفت موجب گردید تا تغییراتی در ظاهر کشور بحرین به وجود بیاید، به عنوان نمونه دو سال پس از افتتاح پالایشگاه نفت بحرین، اولین پمپ بنزین در این کشور احداث گردید و به دنبال آن بیمارستان، خانه و جاده احداث شد. اقتصاد بحرین نیز اندک اندک از شکل سنتی و عام‌المنفعه بودن خارج شده و شکل جدیدی به خود گرفت. پنج سال پس از خروج انگلستان از خلیج فارس و به استقلال رسیدن بحرین، دولت این کشور با خرید ۶۰٪ سهام شرکت باپکو از سهامداران اصلی یعنی «سوکال»^۲ و «تگزاکوکنترل»^۳ این شرکت را به دست گرفت. کمی بعد شرکت ملی نفت بحرین به نام «بوناکو» تأسیس شد (نوروزعلی، ۱۳۹۴/۳/۲۶) و دولت بحرین در سال ۱۹۸۰ میلادی تمام سهام این شرکت را به تملک خود درآورد. سال‌های پایانی قرن بیستم برای صنعت نفت بحرین سال‌های پیشرفت و ترقی بود. در این سال‌ها تولید نفت افزایش یافت و چندین شرکت نفتی جهت تجارت و بازاریابی نفت و تأسیسات مایع کردن گاز تأسیس شدند. در پی درآمدهای سرشاری که از قبل نفت به سوی خاندان آل خلیفه روانه می‌شد، آل خلیفه تلاش کرد تا جهت جایگزین ساختن درآمدهای حاصل از استخراج نفت، کارخانجات، صنایع، پروژه‌های

^۱ - کوه دود

^۲ - Social Petroleum

^۳ - Textcontrol

عمرانی و منابع درآمدی جدیدی ایجاد کند لذا در سال ۱۹۸۵ میلادی اقدام به تأسیس پالایشگاه تصفیه نفت «BAPCO» کرد. این پالایشگاه پس از اتمام نفت بحرین به پالایش و تصفیه نفت کشورهای منطقه حاشیه خلیج فارس می‌پردازد و تا الان نیز مشغول به فعالیت است و آمونیاک و متانول تولید می‌کند. پس از مدتی و با کشف میدان مشترک نفتی «ابوسعفة» با عربستان، پالایشگاه پاپکو (باپکو) جان تازه‌ای به خود گرفت چراکه عربستان با استخراج ۱۵۰ هزار بشکه نفت از میدان مشترک ابوسعفة و ۵۰ هزار بشکه استخراج روزانه از میدان بحرین، روزانه ۲۰۰ هزار بشکه نفت برای تصفیه به پالایشگاه تزریق می‌کند. (سعید، ۲۰۱۵/۱/۲۰) شرکت ملی نفت بحرین «بنوکو»، با ریاست خاندان آل خلیفه در سال ۱۹۸۵ میلادی با مشارکت شرکت «کالتکس» (۲۷٪) و شرکت نفت «بریتیش پترولیوم» (۱۳٪) توانست شرکت «بافکو» را در جهت تأمین سوخت هواپیما تأسیس کند و این خود منبع درآمد جدیدی برای خاندان آل خلیفه گردید. حکومت آل خلیفه در نهایت در سال ۱۹۹۷ میلادی مالک تمام سهام پالایشگاه تصفیه نفت بحرین می‌گردد. (Bapco, 2014)

۲.۲. صنعت گاز

بحرین به دلیل مجمع‌الجزایری بودن و تشکیل شدن از ۳۳ جزیره کوچک و بزرگ، ظرفیت‌های بسیاری در بهره‌گیری‌های مختلف از این جزایر دارد. برخی از جزایر این کشور از آب‌و‌خاک مناسب و کافی برای کشاورزی برخوردار است، برخی از جزایر دیگر دارای چشمه‌های آب شیرین است، بعضی دیگر از جزایر کانون و منبع نفت بوده‌اند همانند جزیره «الستره» که جزیره‌ای شیعه نشین است. جزایر «الحوار» نیز از جمله جزایر معروفی است که دارای منابع عظیم گاز است. نخستین بار در سال ۱۹۴۸ گاز طبیعی در این کشور کشف شد. (بابکو، ۲۰۱۷؛ سلمان، ۲۰۱۷: ۱۵۲) حجم بسیار زیاد گازهای موجود در این جزایر موجب گردیده بود تا شبه جزیره قطر با موقعیت بسیار نزدیک جغرافیایی این جزایر به خود، ادعای مالکیت این جزایر را کند. حجم عظیم منابع گازی جزایر حوار روابط این دو کشور را نیز تحت‌الشعاع قرار داده و موجب اختلاف شدید آنان در اثبات مالکیت خود بر این جزایر گردید تا اینکه هر دو کشور در سال ۲۰۰۱ با صدور حکم دیوان دادگستری بین‌المللی به اختلافات پایان دادند. با وجود اینکه جزایر حوار منابع عظیم نفت را در خود جای داده است اما با این وجود آل خلیفه از آن به عنوان جزیره‌ای تفریحی استفاده می‌کند و نفت و گاز مورد نیاز خود را از عربستان وارد می‌کند. (Central Bank of Bahrain, 2015.6) تاراج و مصادره تعدادی از جزایر و اشغال بسیاری از زمین‌های عمومی بحرین

۱۳۴۶
فصلنامه مطالعات منابع
دوم، شماره
نهم، بهار
۱۳۹۶

توسط آل خلیفه موجب شده است تا خاندان آل خلیفه به ثروتمندترین افراد منطقه خلیج فارس و خاورمیانه تبدیل شوند. (المحفوظ، ۲۰۱۵: ۱۶) آنان برای اینکه بتوانند پروژه‌های عمرانی خود را توسعه دهند، به شیوه‌های مختلف اقدام به مصادره زمین‌های عمومی بحرین می‌کنند. (بی نا، ۲۰۱۱/۱۱/۱) خاندان آل خلیفه سه تا از جزایر بحرین را مورد استفاده شخصی قرار داده‌اند که یکی از این جزایر، بزرگ‌ترین جزیره بحرین به شمار می‌رود. خاندان آل خلیفه ۹۳٪ از جزایر بحرین را در اختیار گرفته (المحفوظ، ۲۰۱۵: ۱۷) و قسمتهایی از آن را به پادشاهان کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بخشیده‌اند. این جزایر مورد استفاده شخصی قرار می‌گیرد و از آنها درآمدزایی شخصی می‌شود. علاوه بر جزایر، بسیاری از اراضی همگانی و عمومی که متعلق به همه مردم بحرین است نیز توسط خاندان حاکم مصادره شده است و مردم تنها مالک ۳٪ از جزایر هستند. (سلمان، ۲۰۱۷: ۱۴۹) خاندان آل خلیفه به ویژه خلیفه بن سلمان، نخست وزیر این کشور تلاش داشته‌اند تا املاک مردم را به بهای ناچیزی از آنان خریداری کنند و یا اینکه با وضع شرایط دشوار ساخت و ساز، به سهام خواهی از سرمایه‌گذاران می‌پرداختند. خلیفه بن سلمان همواره از سرمایه‌گذارانی که قسط ساخت و ساز بوده‌اند درخواست می‌کرده تا ۵۰٪ درصد از آن پروژه به تعلق گیرد. این اقدام خلیفه بن سلمان که دوران جوانی به اوج خود رسیده بود باعث گردیده بود تا مردم بحرین وی را به «آقای فیفتی - فیفتی» (بی نا، ۲۰۰۴/۱۱/۳) و «دزد املاک و اراضی» ملقب کنند. (التیمی، ۲۰۱۲/۸/۱) خلیفه بن سلمان بدین روش ثروت بسیاری زیادی برای خود اندوخته است. (بی نا، ۲۰۱۱/۳/۲۷) این رفتار آل خلیفه به دلیل چنین اقدامات متعدد، در تمام بحرین معروف است. یکی از این اقدامات مربوط به خرید بزرگ‌ترین مجتمع مالی و مصرفی خاورمیانه، با عنوان «المرفأ المالی» به مساحت ۳۸۰۰۰۰ مترمربع است که خلیفه بن سلمان، نخست وزیر بحرین آن را از عبدالرحمن محمد عبدالله، صاحب مجتمع، به قیمت یک دینار بحرینی می‌خرد. (بی نا، ۲۰۱۲: ۳۸) این در حالی است که هزینه ساخت این مجتمع ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار بوده است. حکومت و نظام آل خلیفه به هرکس که تمایل داشته باشند زمین می‌بخشند. آنان تلاش می‌کنند تا با بذل و بخشش زمین و املاک، بسیاری از رهبران جنبش‌های مردمی را به سوی خود متوجه سازند. (خط قرمز، ۱۴: ۲۷-۱۵: ۲۰) پادشاه فعلی نیز کاخ‌های بسیار مرتفعی در بحرین ساخته و همچنان نیز زمین‌های عمومی فراوانی را مصادره کرده است تا محوطه کاخ‌های خود را گسترش دهد. خاندان آل خلیفه به زمین‌های

خشک بحرین برای ساخت و ساز اکتفا نکرده و زمین‌های زیر آب را نیز با قراردادهایی محرمانه و حتی بلاعوض به برخی از شرکت‌های خاص واگذار کرده است. این امر موجبات اعتراض بسیاری از نمایندگان پارلمان انتخابی را ایجاد کرد. این خاندان به این امر بسنده نکرده و ثروت‌های بحرین را (۹۰۰ میلیون دلار) برای سرمایه‌گذاری در بخش زمین و املاک در لندن از کشور خارج می‌کنند. (بی‌نا، ۲۰۱۱)

(BD Millions)	2010	2011	2012	2013	2014	(مليون دينار بحريني)
Revenues	2,175.6	2,821.7	3,034.2	2,943.7	3,089.5	مجموع الإيرادات
Oil and Gas	1,852.1	2,479.1	2,645.4	2,600.1	2,662.3	النفط والغاز الطبيعي
Non-Oil	323.5	342.6	388.8	343.6	427.2	الإيرادات غير النفطية
Expenditures	2,635.4	2,853.0	3,260.9	3,353.7	3,544.6	مجموع المصروفات

جدول شماره ۲: درآمدهای ناشی از استخراج و فروش نفت و گاز در چند سال متوالی

۲.۳. صنعت آلومینیوم

آل خلیفه توانست از درآمدهای ناشی از فروش محصولات نفتی و پتروشیمی، کارخانه آلومینیوم «ALBA»^۱ را در سال ۱۹۶۸ میلادی در بحرین بنیان گذارد. این صنعت در منطقه غرب آسیا بزرگ‌ترین و در جهان جزء ده صنعت بزرگ آلومینیوم به شمار می‌رود. (سعد الدین، ۲۰۱۴/۱/۱) البایک کارخانه بزرگ ذوب و استخراج آلومینیوم است، که در سال ۱۹۷۱ با ظرفیت ۱۲۰ هزار تن در سال آغاز به فعالیت کرد (بی‌نا، ۲۰۱۳) و پس از چندی با ظرفیت ۱۶۵ هزار تن به کار خود ادامه داد و در سال ۲۰۱۲ به ۸۹۰۲۱۷ تن در سال رسید. (سعدالدین، ۲۰۱۴/۱/۱) این کارخانه سنگ‌های معدنی حاوی آلومینیوم را که از استرالیا به این کشور آورده می‌شود را ذوب کرده و آلومینیوم آنها را استخراج می‌کند. در سال ۱۹۸۴ یک کارخانه بزرگ نورد آلومینیوم هم در این کشور تأسیس شد، و سه کارخانه دیگر نیز به تولید محصولات نهایی ساخته شده از آلومینیوم مشغول هستند. کارخانه‌ای دیگر هم برای ذوب و استخراج اولیه آهن از سنگ آهن، با ظرفیت ۴ میلیون تن در سال در جزیره‌ای مصنوعی در شرق منامه ساخته شده است. (پترون، ۲۰۱۴) این صنعت دومین صنعت مهم بحرین به شمار می‌رود. (سنوات الجریش، ۲۰۰۹/۱۰/۳) این صنعت توانست در سال ۲۰۱۳ میلادی با تولید ۹۱۲.۷۰۰ تن آلومینیوم رکورددار تولید آلومینیوم در منطقه باشد. (سعید، ۲۰۱۵/۱/۲۰) تولید انبوه آلومینیوم کارخانه البایک موجب گردیده

فصلنامه مطالعات منافع ملی، سال دوم، شماره هفتم، بهار ۱۳۹۴

¹ - Aluminium Bahrain

تا این صنعت از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کارخانه‌های تأمین‌کننده آلومینیوم جهان شناخته شود. (بی‌نا، ۲۰۱۳) صنعت آلومینیوم از بخش‌های مهم و استراتژیک اقتصاد است ملی بحرین است لذا از رونق اقتصادی قابل توجهی برخوردار است که بخش عظیمی از درآمدهای آن عائد خانواده آل خلیفه می‌گردد. رئیس هیئت مدیره شرکت البافردی از خاندان آل خلیفه به نام «شیخ دعیج بن سلمان بن دعیج آه خلیفه» است. خاندان آل خلیفه بیش از ۶۰٪ از سهام این کارخانه را در اختیار داشته و مابقی سهام آن در اختیار یک شرکت ژاپنی است. این شرکت چندین مرتبه از سوی سازمان ملل متحد به خاطر کیفیت کالا و حفظ محیط زیست مورد تقدیر قرار گرفته است. (Alba, 2017)

۲.۴. صنعت توریسم

به عقیده برخی از کارشناسان اقتصاد سیاسی، صنعت توریسم نیز می‌تواند یکی از منابع رانتی باشد. آقای جیمز پتراس^۱ درآمدهای حاصل از صنعت گردشگری در کشورهای عربی خاورمیانه را نیز نوعی درآمد رانتی می‌داند. به اعتقاد وی هم بخش صادرات نفت و گاز و هم صنعت گردشگری، بخش‌هایی محصور و جزیره‌ای در اقتصاد کشورهای عربی به حساب می‌آیند که با دیگر بخش‌های اقتصادی پیوند زیادی ندارند. این بخش‌ها اشتغال‌زایی اندکی دارند و عمده منابع ارزی دولت‌ها را تأمین می‌کنند. (میرترابی، ۱۳۹۱: ۱۷۵) صنعت توریسم معمولاً در کشورهای تاریخی یا فرهنگی که دارای تمدن و تاریخ دیرینه هستند یکی از بهترین منابع درآمدهای دولت به شمار می‌رود. در غرب آسیا دولت‌های کشورهایی چون امارات متحده عربی، لبنان، مصر و ترکیه که هر ساله شاهد میلیون‌ها توریست و جهانگرد در کشور خود هستند تلاش داشته‌اند تا با ایجاد مشاغل و حرفه‌هایی در این راستا برای مردم خود اشتغال‌زایی کنند اما در بحرین چنین چیزی رخ نمی‌دهد. کشور بحرین با وجود اینکه تاریخی بسیار قدیمی و دیرینه‌ای دارد و مهد تمدن گیلگمش و هخامنشیان به شمار می‌رود، برنامه‌ای برای جذب توریسم ندارد و دولت نیز در این راستا برای مردم نیز اشتغال توریسم محور ایجاد نکرده است. بر طبق یکی از نظرسنجی‌هایی که سامانه الکترونیکی «البلاد» بحرین در سال ۲۰۱۳ میلادی به عمل آورده بود، ۸۹.۹ درصد از مردم بحرین صنعت توریسم بحرین را ضعیف می‌دانند. (بی‌نا، ۲۰۱۳/۸/۴) علت آنکه دولت بحرین از ظرفیت تاریخی این مجمع‌الجزایر برای جذب توریسم بین‌المللی استفاده نمی‌کند به

¹ - James Petras

سیاست انزوا گرایی^۱ آل خلیفه باز می‌گردد. آل خلیفه تلاش داشت تا حوادث سال ۲۰۱۱ بحرین و میزان مشارکت مردم در قدرت سیاسی و اجتماعی را از منظر جوامع بین‌المللی به دور نگاه دارد لذا تمایلی به جذب توریسم ندارد. مردم انگلستان و آمریکا نیز تنها گردشگران اروپایی و آمریکایی هستند که به صورت بسیار محدود به بحرین سفر می‌کنند. (سعید، ۲۰۱۵/۱/۲۰) عمده توریسمی که مقصد خود را بحرین انتخاب می‌کنند به پاره‌ای از شهروندان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی محدود می‌شود که با هدف عیش و نوش و استفاده از خدمات جنسی در کاباره و کازینوهای منامه وارد این کشور می‌شوند. این امر به حدی موجب گسترش فحشا در بحرین گردیده است که امروزه بحرین در میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به «پاریس خلیج» و در میان توریسم بین‌المللی به «هاوایی خاورمیانه» شهرت یافته است. (see: Smart Travel, 2017) اقبال بسیار زیاد کشورهای حاشیه خلیج فارس به مراکز غیراخلاقی بحرین موجب شده است تا پایتخت بحرین جزء فاسدترین شهرهای جهان قرار گیرد. (العلوی، ۲۰۱۴: ۴۴) سالانه حدود دو میلیون توریست به ترتیب از کشورهای عربستان سعودی، کویت، عمان، امارات و قطر به بحرین مسافرت می‌کنند. نظام بحرین جهت بهره‌وری حداکثری از مسافرت شهروندان کشورهای عربی به ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس به بحرین، اقدام به ساخت هتل‌ها و مراکز فحشای گسترده‌ای کرده است. آنان برای اینکه بتوانند پروژه‌های عمرانی خود را توسعه دهند به شیوه‌های مختلف اقدام به مصادره زمین‌های عمومی بحرین می‌کنند. (بی‌نا، ۲۰۱۱/۱/۱) خاندان آل خلیفه به زمین‌های خشک بحرین برای ساخت و ساز اکتفا نکرده و زمین‌های زیر آب را نیز با قراردادهایی محرمانه و بلاعوض به برخی از شرکت‌های خاص واگذار کرده است و این موجبات اعتراض بسیاری از نمایندگان پارلمان را ایجاد کرد. این خاندان به این امر بسنده نکرده و ثروتهای بحرین را (۹۰۰ میلیون دلار) برای سرمایه‌گذاری در بخش زمین و املاک در لندن از کشور خارج می‌کنند. (بی‌نا، ۲۰۱۱)

۲.۵. خدمات بانکی

تأسیس بسیاری از بانک‌های اروپایی و آمریکایی در بحرین و تبدیل شدن آن به کشور ارائه دهنده خدمات بانکی یکی از عوامل رانتیری شدن دولت است. آل خلیفه معمولاً اقوام و اطرافیان خود را مسئول سمت‌های بالای بانک‌ها می‌کند و افراد تحصیل کرده که به رانت دولتی دسترسی

ندارند تنها می‌توانند در سمت‌های پایین بانک و به‌عنوان کارمند ساده فعالیت کنند که این نیز موجبات نارضایتی مردم را فراهم آورده است. مؤسسات مالی پس از تأسیسات نفتی بیشترین سهم را در تولید ناخالص ملی داشتند و تعدادی از شهروندان بحرین در آن به اشتغال می‌پرداختند.

مهم‌ترین مشکلات اقتصادی بحرین تا سال ۲۰۱۵ میلادی

بیکاری

شایسته سالاری در بحرین تقریباً عاری از مفهوم است و اعضای خانواده آل خلیفه همواره در بر عهده گرفتن مشاغل و مناصب دولتی در اولویت قرار دارند. این خاندان بدون در نظر گرفتن توانایی و صلاحیت دیگران و در اولویت قرار دادن دیگر طبقات محروم جامعه، مشاغل را بین افرادی که خود مدنظر دارند تقسیم می‌کنند. این نوع از رفتار آل خلیفه موجب ظلم و ستم در حق مردم بحرین و به ویژه شیعیان که از جمعیت قابل توجهی برخوردار هستند شده است. (المرشد، ۲۰۱۴: ۳۱) بی‌توجهی آل خلیفه به تراکم جمعیتی بحرین در توزیع مشاغل و مناصب و استفاده از نیروی کار ارزان از بسیاری از کشورهای دیگر موجب شده است تا تعداد زیادی از جوانان بحرین با معضل بیکاری مواجه شوند. فقر و بیکاری از مهم‌ترین عوامل اقتصادی مؤثر در جنبش‌های انقلابی بحرین است. چنین به نظر می‌رسد که بیکاری از بارزترین چالش‌هایی است که جامعه بحرین در چند سال اخیر با آن مواجه بوده است. بر طبق گزارشی که در اکتبر ۲۰۱۴ میلادی در سامانه اقتصاد جهانی منتشر شد، نسبت بیکاری در بحرین در سال ۲۰۱۲ میلادی به ۷.۴ درصد رسید. این نسبت در میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، پس از سلطنت عمان (۸.۱ درصد) بیشترین میزان بیکاری است. (حسین، ۲۰۱۵/۱/۱۶؛ سلمان، ۲۰۱۷: ۱۶۳) با به قدرت رسیدن حمد بن عیسی، تلاش‌هایی در جهت رفع مشکلات اقتصادی صورت گرفت اما مشکل معیشتی مردم بهبود نیافت. وزیر کار بحرین به منظور جلوگیری از برهم خوردن امنیت ملی به‌شدت با برگزاری راهپیمایی‌ها و اعتصابات مخالفت کرد. آخرین تلاش کارگران بحرین برای احقاق حقوق خود به ماه اوت ۲۰۰۰ میلادی مربوط می‌شود که رئیس و اعضای کمیته عمومی کارگران بحرین ضمن ارسال نامه‌ای به وزارتخانه‌های کار و کشور، خواستار بهبود وضعیت خود و تشکیل سندیکاها و کمیته‌های کارگری شدند. (بحرانی، ۱۳۸۱: ۱۱۰) مشکل بیکاری در بین گروه شیعه نمود بیشتری دارد زیرا شیعیان بحرین با وجود اینکه از

صنعه تاریخی و جمعیتی قابل توجهی در این کشور برخوردار هستند اما شهروند درجه دو به شمار می‌آیند. شیعیان بحرین نسبت به شیعیان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس بیشترین جمعیت را دارند اما در توزیع فرصت‌های شغلی که بر اساس گرایش‌های مذهبی عمل می‌شود محروم‌ترین گروه جامعه شیعیان به شمار می‌روند به‌ویژه در زمینه اقتصادی. (سالم الزرنوقه، ۲۰۱۲: ۲۴۴)

ورود اهل سنت غیر بحرینی به بحرین و دریافت تابعیت بحرینی نیز موجب گردیده است تا حکومت بحرین اموال، خانه و زمین‌های شیعیان را به بهانه‌های گوناگون مصادره کرده و به ناصبی‌های سوری، اردنی، پاکستانی و سعودی بدهد. (بیگی، ۱۳۹۶/۷/۲۷) در بحرین دو دنیای متفاوت وجود دارد، دنیای ثروتمندان که شامل خانواده حاکم، دیپلمات‌ها، صاحبان شرکت‌ها و بانک‌های خارجی است و دنیای مردم عادی که شامل ۴۰۰ هزار نفر از مردم بحرین می‌شود که در خانه‌ها، روستاها و شهرهای فقیر زندگی می‌کنند. (امیردهی، ۱۳۹۰: ۱۳۷) مجمع‌الجزایری بودن بحرین موجب شده است تا هر طبقه و گروهی از مردم در مکان خاصی زندگی کنند مثلاً شیعیان معمولاً در جزیره ستره زندگی می‌کنند، خاندان حاکم، دولتمردان و مؤسسات و بانک‌های خارجی نیز در شمال منامه ساکن هستند. از عواملی که منجر به بحرانی شدن وضعیت اقتصادی بحرین گردید، تشدید چالش میان حکومت و مردم در سال ۲۰۱۱ میلادی و منتقل شدن بسیاری از تجار و کسبه و مؤسسات مالی به دبی است.

وزارت کار بحرین همواره در صدد بوده است تا درصد بیکاری را پایین نشان دهد لذا با آماری که منتشر می‌کند مدعی است که درصد بیکاری در بحرین ۴ درصد است در صورتی که نشست اقتصاد جهانی که هر ساله در شهر دافوس سوئیس برگزار می‌گردد مدعی است که آمارهای صادره از وزارت کار بحرین اشتباه بوده و آمارهای رسمی نشان‌دهنده عدد ۷.۴ درصد بیکاری است که بیشترین میزان آن نیز در بین جوانان است. در حقیقت نسبت بیکاری در بین جوانان بحرین، پس از جوانان عربستان سعودی بیشترین درصد بیکاری در میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است یعنی ۲۷.۵ درصد. (حسین، ۲۰۱۵/۱/۱۶)

آمار بیکاری در بحرین بر طبق تحقیقات نشست اقتصاد جهانی سال ۲۰۱۲ میلادی به شرح ذیل است:

بیکاری	میزان
مجموع بیکاری	7.4%
جوانان بیکار	27.5%
پسرهای بیکار	32.3%
دختران بیکار	25.4%

جدول شماره ۳: درصد بیکاری میان جوانان

آمار دیگری از سوی صندوق بین المللی پول منتشر گردیده که در آن به بررسی بیکاری در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس پرداخته است. بر طبق این آمار درصد بیکاری در بحرین در بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ رو به افزایش بوده و به ۲۸٪ رسیده است. این درصد از بیکاری متعلق به افراد بین ۱۹ تا ۲۵ سال است یعنی جمعیت جوان کشور و نه سالخوردگان و یا کودکان. این آمار نشان می‌دهد که حکومت بحرین در ایجاد شغل برای شهروندان خود ناکارآمد بوده است. (العالی، ۲۰۱۳: ۷ و ۱۱)

نسبة البطالة	2011	2010	2009	2008	2007	2006	2005	2004	2003
مملكة البحرين	7.7%	7.88%	8.31%	8.1%	8.33%	8.75%	8.82%	9.18%	7.17%
الكويت	2.1%	2.06%	2.2%	2.04%	2.02%	2%	1.89%	1.68%	1.28%
عُمان	8.52%	8.47%	8.97%	7.99%	8.53%	8.71%	8.81%	8.9%	9.34%
قطر	0.65%	0.68%	0.76%	0.49%	0.48%	0.76%	3.24%	0.93%	3.96%
المملكة العربية السعودية	7.21%	6.43%	6.26%	5.74%	5.63%	6.25%	5.03%	4.09%	4.61%
الإمارات العربية المتحدة	4.43%	4.1368%	4.25%	3.99%	3.2%	3.18%	3.12%	2.96%	2.76%
مجلس التعاون الخليجي	5.21%	4.72%	4.9%	4.56%	4.82%	5.27%	4.68%	4.02%	4.35%

جدول شماره ۴: میزان بیکاری در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس^۱

کسری بودجه

با کاهش قیمت نفت از سال ۲۰۱۴ میلادی، دولت بحرین با مشکلاتی در تأمین بودجه کشور مواجه می‌شود. بر طبق پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول، دولت بحرین برای جبران کسری بودجه باید بتواند نفت خود را به قیمت هر بشکه ۱۲۰ دلار به فروش برساند. بر طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، دولت بحرین بودجه سال ۲۰۱۴ میلادی خود را ۹۱۴ میلیون دینار

¹ - <http://studies.aljazeera.net/ar/issues/2013/04/2013421104252798915.html>

معادل ۲.۴ میلیارد دلار کسری به تصویب رساند و در صورت ادامه چنین روند در سال ۲۰۱۵ میلادی معدل ۱.۷ میلیارد دلار کسری بودجه خواهد داشت. (جعفری، ۲۰۰۵/۱۱/۱۴) علاوه بر آن بدهی‌های عمومی دولت به مراکز مالی داخلی که از سال ۲۰۰۴ آغاز شده و تا به امروز ادامه دارد و پیش‌بینی می‌شود که حتی در صورت افزایش قیمت نفت به هر بشکه ۷۰ دلار، باز کشور بحرین در سال ۲۰۱۷ میلادی شاهد کسری گسترده بودجه خواهد بود. (سعید، ۲۰۱۵/۱/۲۰)

بدهی عمومی دولت

بر طبق گزارشی که بانک مرکزی بحرین در ۱۱ ژوئن ۲۰۱۷ منتشر ساخت، بدهی عمومی دولت بحرین به بالاترین میزان خود رسید. این بدهی نسبت به سال گذشته ۲۳٪ افزایش داشته است که این نیز نتیجه صدور اوراق قرضه به ارزش ۱۴.۱ میلیارد دلار بوده است. دولت بحرین بدهی‌های خود را در قالب اوراق قرضه و اوراق خزانه توزیع کرده است و این نیز موجب بالاترین میزان بدهی در تاریخ بحرین شده است. میزان بدهی دولت بحرین در سال ۲۰۰۷ برابر بوده است با ۱.۶ میلیارد دلار. بر طبق گزارش ناظران اقتصادی، این میزان از بدهی دولت ناشی کاهش قیمت نفت، فساد اقتصادی گسترده خانواده حاکم، انفاق‌های گسترده به موسسات نظامی و امنیتی با هدف سرکوب جنبش‌های مردمی بوده است. دولت بحرین برای رفع کسری بودجه خود هر ساله میزان استقراض خود را از بانک مرکزی مرکزی افزایش داده است و در سال ۲۰۱۷ به ۱ میلیارد دلار رسانده است. (سبت، ۲۰۱۷/۵/۲۳) این امر موجبات نگرانی رئیس کمیسیون پولی و اقتصادی مجلس بحرین را از خطرات پیش روی اقتصاد ملی این کشور را فراهم آورد. وی با هشدار این خطر بیان داشت که در اواخر سال ۲۰۱۷ میزان بدهی دولت به بانک مرکزی ۹۶٪ از تولید ناخالص داخلی را شامل می‌گردد. (سلمان، ۲۰۱۷: ۱۵۷)

التعديلات على قانون الاقتراض لرفع السقف الأعلى المسموح به للدين العام	
السنة	السقف الأعلى
1977	30 مليوناً
1986	100 مليون
1988	300 مليون
1996	600 مليون
2003	900 مليون
2009	1.9 مليار
2010	2.5 مليار
2011	3.5 مليار
2012	5 مليار
2014	7 مليار
2015	10 مليار
القانون الجديد	13 مليار

جدول شماره 5: اصلاحیه‌های قانون استقراض بانکی در طول تاریخ بحرین

رقابتي نبودن اقتصاد

یکی از ملاک‌های ارزشیابی توان اقتصادی کشورها، توان رقابتی اقتصاد آن کشور است. در رابطه با مقایسه توان رقابت اقتصادی کشور با کشورهای حوزه خلیج فارس، کمیته نشست جهانی اقتصاد گزارشی را در سال ۲۰۱۴ صادر کرده و در آن بیان می‌دارد که بحرین در میان کشورهای اقلیم خلیج فارس، پس از عمان آخرین رتبه را در توان رقابت اقتصادی دارد. بر طبق گزارش این سازمان، رتبه کشورهای حاشیه خلیج فارس در توان رقابت اقتصادی در سطح جهان به ترتیب ذیل است:

رتبه	کشور
دوازدهم	امارات متحده عربی
شانزدهم	قطر
بیست و پنجم	عربستان سعودی
چهل و یکم	کویت
چهل و چهارم	بحرین

جدول شماره 6: رتبه رقابت اقتصادی میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

این سازمان ۱۲ شاخص را برای رتبه‌بندی توان اقتصادی کشورها مشخص کرده است که عبارت انداز: زیرساخت- ثبات اقتصادی - بهداشت و آموزش- تحصیلات عالی- آموزش و پرورش- بازار کالای مناسب- بازار کار مناسب- رشد بازار مالی- توان فناوری- حجم بازار و نوآوری. باید به این نکته اشاره داشت که بحرین در رابطه با توان فناوری گوی سبقت را از کشورهای حوزه حاشیه خلیج فارس ربوده است و علت آن نیز رفع همه موانع مسیر راه‌یافتگان به این عرصه است. این امر موجب گردیده تا بحرین در رابطه با ارتباطات در میان کشورهای عربی جایگاه نخست را از آن خود کند.

افزایش بدهی

در طی چند سال اخیر میزان بدهی‌های بحرین به مؤسسات پولی بین‌المللی به شدت افزایش یافته و موجبات نگرانی مسئولین مؤسسات مالی طلبکار را فراهم آورده است. بدهی دولت بحرین به سازمان‌ها و مؤسسات پولی و مالی به اندازه‌ای افزایش یافت که در سال ۲۰۰۸ برابر شد با ۱۰ درصد درآمد تولید ناخالص ملی. این وضعیت به سرعت تغییر یافت و در دوران تعطیلی پارلمان انتخابی بحرین در پی استعفای نمایندگان معارض نظام، مبلغ بدهی در پایان سال ۲۰۱۲ به ۴.۲ میلیارد دینار معادل ۱۱.۲ میلیارد دلار رسید، یعنی ۴۰ درصد از درآمد تولید ناخالص داخلی بحرین در آن سال. حجم بدهی این کشور به همین میزان محدود نشده و در سال ۲۰۱۴ به ۴.۹۲ میلیارد دینار رسید. ادامه این روند هشدار صندوق بین‌المللی پول را به همراه داشته است. این صندوق پیش‌بینی می‌کند که در صورت ادامه این روند، حجم بدهی‌های دولت بحرین در سال ۲۰۱۸ یا ۲۰۱۹ به ۲۰ میلیارد دلار یعنی ۶۱ درصد از تولید ناخالص ملی افزایش یابد. (حسین، ۲۰۱۵/۱/۱۶)

سیاست تغییر جمعیت و کاهش یافتن مشاغل

در سال ۲۰۱۵ تعداد جمعیت بحرین به یک میلیون و سیصد هزار نفر رسید که ۴۸ درصد از آنان شهروندان بحرینی بوده و ۵۲ درصد باقیمانده اتباع خارجی از کشورهای آسیایی بودند، همانند فیلیپین، اردن، سوریه، هند، پاکستان، بنگلادش، اندونزی و غیره بودند. (Central Bank of Bahrain, 2015.3) جمعیت زیاد اتباع خارجی و دستیابی آنان به بسیاری از مشاغل به‌ویژه مشاغل نظامی و امنیتی موجب کاهش شغل برای مردم و ساکنین حقیقی بحرین و افزایش بیکاری شده است. (بیگی، ۱۳۹۶/۷/۲۷) ممکن است در پاسخ گفته شود که بیش از نیمی از

جمعیت قطر و امارات و کویت را نیز اتباع خارجی تشکیل داده است و این موجب رونق و پویایی اقتصاد جامعه گردیده اما باید توجه داشت که کشورهای نامبرده از زیرساخت و امکانات کافی برای این حجم از جمعیت برخوردار است در حالیکه بحرین کشوری کوچک با امکانات شغلی بسیار محدودی است. بیگانگان در بحرین حاضر هستند تا در قبال کار بیش از ۸ ساعت دستمزد کمتری دریافت کنند. این امر باعث می‌شود تا بسیاری از فرصت‌های شغلی توسط این افراد اشغال شده و مردم اصیل بحرین از فرصت شغل بی‌بهره بمانند.

نتیجه‌گیری:

رانتی شدن اقتصاد بحرین توسط حکومت بحرین و به اضمحلال رفتن مشاغل سنتی و مردم بنیاد این کشور نه تنها نتوانست همانند بسیاری از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس موجب بهبود وضعیت معیشتی مردم بحرین گردد بلکه موجبات نارضایتی از نظام و اعتراضات مردمی را نیز در پی داشت. نظام بحرین از درآمدهای رانتی در جهت ایجاد آرامش و ثبات سیاسی در بحرین استفاده نکرده است. رانتی شدن دولت در بحرین علاوه بر اینکه موجب تأمین خدمات عمومی و ارائه امکانات برای مردم جامعه نشده است، بلکه موجب بزرگ‌تر شدن هرچه بیشتر دولت و کوچک و ضعیف شدن جامعه گردیده است. حکومت بحرین تلاش کرده است حتی فعالیت‌های بازرگانی را نیز محدود به اطرافیان نظام و خاندان حاکم کند و از این حیث بازرگانان و نخبگان اقتصادی و تجاری از آزادی عمل مناسبی برای فعالیت اقتصادی برخوردار نیستند. (Hertog & Luciani, 2013: 22) این ضعف بیشتر در میان شیعیان محسوس است زیرا نظام آل خلیفه با وجود اینکه ثروت‌های بحرین را به صورت نسبی در انحصار خود گرفته است اما درون جامعه نیز به علت تبعیض میان شیعیان و اهل سنت، شیعیان را تحت فشار قرار داده است. شیعیان اکثریت در بحرین از لحاظ اقتصادی در سطح بسیار پایین‌تری از اهل سنت اقلیت قرار دارند. (غینغلو، ۲۰۱۵: ۲۴۰-۲۴۱) افزایش سطح تحصیلات، تعداد فارغ‌التحصیلان، آموزش عالی و گرایش مردم به فعالیت‌های سیاسی نیز موجب شد تا اقشار تحصیل کرده به خفقان سیاسی موجود در کشور، فقدان آزادی بیان، نفوذ فرهنگ غیر اسلامی از غرب، فساد اداری، گسترش مفاسد اخلاقی و اجتماعی، مشکلات اقتصادی و بیکاری اعتراض کنند. اعتراضات و مطالبه‌گری‌های طبقه تحصیل کرده بحرین موجب گشته تا بسیاری از این افراد توسط نیروهای امنیتی آل خلیفه دستگیر شده و در نهایت زندان‌های «القرین»، «الحوض الجاف» و «الجو مرکزی» بحرین

ملا مال از وکیل، فعال سیاسی، فعال حقوق بشر، مبلغ فرهنگی، روحانی، شاعر و استاد دانشگاه شود. (بیگی، ۱۳۹۵) حکومت بحرین مطالبات مردمی را نه از طریق ارائه خدمات عمومی و توزیع برخی از درآمدهای رانتی پاسخ می‌دهد و نه از طریق انجام اصلاحات سیاسی، بلکه از طریق تمرکز سیاسی که به کمک هم پیمانان منطقه ای و بین‌المللی خود به دست آورده است، در صدد سرکوب اعتراضات و خواسته‌های مردمی است. آل خلیفه انجام اصلاحات سیاسی یا اقتصادی و یا ارائه خدمات عمومی و یا توزیع درآمدهای رانتی را عامل بی ثبات تر شدن سلطه خود می‌داند چرا که از نظر آنان، غالبیت جنبش‌های مردمی را شیعیان تشکیل می‌دهند و شیعیان نیز به این اصلاحات سطحی سیاسی یا اقتصادی راضی نخواهند شد. آل خلیفه بر این باور است که توزیع درآمدهای رانتی میان مردم بحرین به ویژه شیعیان موجب تقویت معترضان و پیشروی آنان در راستای سرکوبی نظام خواهد شد، زیرا بنابر عقیده آنان شیعیان از لحاظ دینی منحرف بوده و بر این باور هستند که از صدر اسلام به آنان خیانت شده و حکومت از آنان سلب گردیده لذا به فکر دستیابی به قدرت هستند. (غینگر، ۱۳۹۵: ۹۶) این نگرش آل خلیفه به اکثریت جمعیت بحرین یعنی شیعیان موجب شده است تا نظریه دولت رانتیر که در دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس عملیاتی است در بحرین نیز از سوی نظام کاربست نپذیرد بلکه بالعکس بسیاری از جمعیت مردم بحرین به ویژه شیعیان در وضعیت نا به سامان اقتصادی قرار داشته باشند. افزایش قیمت نفت در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی درآمدهای بسیاری را به سوی بحرین روانه ساخت. حکومت بحرین از درآمدهای سرشار نفتی برای ایجاد منابع رانتی جدید بهره برد. اقتصاد رانتی جدیدی که بحرین با آن رو به رو شد، با تخصص و مشاغل سنتی و دیرینه مردم ناهمسان بوده و سبب بیکاری بسیاری از نیروی کار نامتخصص گردید. افزایش قیمت نفت در بسیاری از کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس عامل ثبات و پایداری سیاسی گردید اما در بحرین به دلیل اتخاذ سیاست‌های متفاوت نتیجه عکس داد.

منابع فارسی: کتاب

- بحرانی، مرتضی، (۱۳۸۱)، جنبش‌های سیاسی اجتماعی بحرین، انتشارات اندیشه‌سازان نور، چاپ اول، تهران
- بیگی، علیرضا، (۱۳۹۵)، مبانی و تاریخ سیاه آل خلیفه، چاپ اول، قم، نشر شهید کاظمی
-، (۱۳۹۵)، گواه میهن، اظهارات رهبران انقلاب ۱۴ فوریه و مخالفان نظام در دادگاه‌های نظامی آل خلیفه، چاپ اول، قم، نشر شهید کاظمی
- میرترابی، سعید، (۱۳۸۷)، نفت، سیاست و دموکراسی، نشر قومس، تهران.
-، (۱۳۹۱)، بیداری اسلامی و اقتصاد سیاسی نفت خاورمیانه، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران

مقالات

- ۱- امیردهی، ع ر، (۱۳۹۰)، بحرین، سرزمین مروارید، مجله اندیشه تقریب، پاییز، شماره ۲۸
- ۲- سلیمانی، غلامعلی، (۱۳۹۱)، واکوی تحولات انقلاب مردم بحرین، مجله پاسدار اسلام، شهریور، شماره ۳۶۹
- ۳- مجتهد زاده، پیروز، (۱۳۷۳)، در بحرین چه می‌گذرد، فصلنامه سیاسی - اقتصادی، آذر و دی

خبرگزاری

- ۱- بیگی، علیرضا، (۱۳۹۶/۷/۲۷)، توطئه تغییر جمعیت در بحرین توسط آل خلیفه، مرکز مطالعات خلیج فارس، تاریخ مشاهده (۱۳۹۵/۱۰/۲۷)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:
<http://www.persiangulfstudies.com/fa/index.asp?P=NEWSVIEW&ID=353>
- ۲- پتروننت، (۲۰۱۴)، تاریخچه نفتی کشور بحرین، تاریخ مشاهده (۱۳۹۶/۲/۱۴)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:
<http://www.petronet.ir/web/bahrain>
- ۳- نوروزعلی، محمدحسین، (۱۳۹۴/۳/۲۶)، صنعت نفت بحرین، تاریخ مشاهده (۱۳۹۵/۲/۱۴)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:
<http://mhnoroozali.persianblog.ir/tag>

منابع عربي:

- ١- البسام، خالد، (٢٠٠١)، حكايات من البحرين، المؤسسة العربية للدراسات و النشر، بيروت، لبنان
- ٢- العالی، حسن، (٢٠١٣)، قضايا نمط النمو الاقتصادي في دول مجلس التعاون الخليجي، قطر، مركز الجزيرة للدراسات، نيسان ٢٠١٣
- ٣- العلوي، السيد جعفر، (٢٠١٤)، ثورة البحرين نحو اسقاط حكم القبليّة، الطبعة الاولى، تيار العمل الاسلامي
- ٤- المحفوظ، محمدعلي، (٢٠١٥)، علماء خلف القضبان، أسبوع العلماء المعتقلين الثاني، جمعية العمل الاسلامي، أمل
- ٥- المرشد، عباس، (٢٠١٤)، جدار الصمت: انهيار السلطوية، مركز الدراسات و التوثيق، اوال، بيروت، لبنان
- ٦- بي نا، (٢٠١٢)، البحرين، سيرة المقاومة المدنية، ربيع البحرين، حصاد الساحات، الطبعة الثانية، مرآة البحرين
- ٧- ربيع البحرين، (٢٠١٢)، حصاد الساحات، الطبعة الثانية، مرآة البحرين
- ٨- سالم زرنوقه، صلاح، (٢٠١٢)، أنماط انتقال السلطة في الوطن العربي، مركز الدراسات الوحدة العربية، الطبعة الاولى، لبنان
- ٩- سلمان، علي، (٢٠١٧)، مرافعة الوطن، نص مرافعة زعيم المعارضة البحرينية الشيخ علي سلمان امام القضاء البحريني، جمعية الوفاق الوطني الاسلامية
- ١٠- عبدالكريم الهانتي، عبدالرحمن، (٢٠٠٠)، البحرين في صدر الاسلام، الدار العربية للموسوعات، بيروت، لبنان
- ١١- غينغلي، جستن، (٢٠١٥)، صراع الجماعات و التعبئة السياسية في البحرين و الخليج، الطبعة الاولى، بيروت، مركز اوال الدراسات و التوثيق

خبرگزاری:

- ١- التميمي، (٢٠١٢/٨/١)، التميمي يفجرها: خليفه بن سلمان سارق الأراضي، يوتيوب، تاريخ مشاهده (١٣٩٦/٧/٢٧)، قابل مشاهده در سامانه ذيل:

<https://www.youtube.com/watch?v=9111OfsfzU>

۲- العکری، عبدالنبي، (۲۰۱۳/۱۰/۹)، النفط العربي من النعمة الى النقمة، تاريخ مشاهدہ (۱۳۹۵/۱۲/۲۸)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://www.alwasatnews.com/news/817646.html>

۳- العمران، جعفر، (۲۰۰۵/۱۱/۱۴)، الدولة الريعیة فی الخلیج و البحرین، تاريخ مشاهدہ (۱۳۹۵/۱۲/۲۷)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://www.alwasatnews.com/news/503082.html>

۴- بی نا، (۲۰۱۳/۸/۴)، السیاحه ضعيفه و المجمعات الملاذ الأول فی العید، البلاد، تاريخ مشاهدہ (۱۳۹۵/۱۲/۲۸)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://www.albiladpress.com/article208438-1.html>

۵- بی نا، (۲۰۰۹/۱۰/۳)، التاريخ الحقيقي للبحرين و البحارنه، سنوات الجريش، تاريخ مشاهدہ (۱۳۹۵/۱۲/۲۸)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://www.jasblog.com/wp/?p=3638>

۶- بی نا، (۲۰۱۴/۱۲/۲۷)، الزارعه فی البحرین، سنوات الجريش، تاريخ مشاهدہ (۱۳۹۵/۱۰/۲۷)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://www.jasblog.com/wp/?p=6301>

۷- بی نا، (۲۰۱۱)، دکتاتور البحرین يملك عقارات ضخمة فی لندن، صوت البحرین، تاريخ مشاهدہ (۱۳۹۶/۲/۱۵)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://voiceofbahrain.org>

۸- بی نا، (۲۰۱۱/۱۱/۱)، موضوع خاص بأملاك و اموال البحرین وشعب البحرین المسروقه من عائلة ال خليفة، فجر البحرین، تاريخ مشاهدہ (۱۳۹۶/۲/۱۴)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<https://www.fajrbh.com/vb/threads/49828>

۹- بی نا، (۲۰۰۱/۱۱/۱۷)، ماذا يملك "خليفة بن سلمان" ؟ فی مقارنه مع قصر تكلف بناءه ۷۰۰ مليون دولار، ملتقى البحرین، تاريخ مشاهدہ (۱۳۹۶/۲/۱۴)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://bahrainonline.org/showthread.php?t=45915>

۱۰- بی نا، (۲۰۱۳)، قطاع صناعات الألمنيوم، وزارة الصناعة و التجارة و السياحة، تاريخ مشاهدہ (۱۳۹۵/۱۲/۲۸)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://www.moic.gov.bh/Ar/Industry/IndustySections/Pages/AlumunimSector.aspx>

۱۲- بی نا، (۲۰۱۱/۳/۲۷)، املاك الشيخ خليفة بن سلمان آل خليفة، الشيعة فی السعودیة، تاريخ مشاهدہ (۱۳۹۶/۷/۲۷)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<https://shiasaudia.wordpress.com>

۱۳- حسین، جاسم، (۲۰۱۵/۱/۱۶)، الإقتصاد البحرینی فی ۲۰۱۵: العقوبات و التحديات، مركز البحرين للدراسات، تاریخ مشاهده (۱۳۹۵/۱۱/۲۹)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://www.bcs1.org.uk/arabic/?p=943>

۱۴- خلیفه، عبدالله، (۲۰۱۴/۷/۱۷)، رواية من البحرين: الینابیع، تاریخ مشاهده (۱۳۹۵/۱۲/۲۷)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://raseef22.com/culture/2014/07/17>

۱۵- دیاب، ولید، (۲۰۱۴/۳/۲۳)، الزراعة فی البحرين، بین التحديات الحاضر و المتطلبات المستقبل، أخبار الخلیج، تاریخ مشاهده، (۱۳۹۵/۱۲/۲۷)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://www.akhbar-alkhaleej.com/13148/article/13395.html>

۱۶- سبت، حسین، (۲۰۱۷/۵/۲۳)، رفع سقف دین العام الی ۱۳ مليار دينار، الأيام، تاریخ مشاهده (۱۳۹۶/۳/۲۵)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

http://www.alayam.com/online/local/652885/News.html?utm_campaign=magnet&utm_source=article_page&utm_medium=related_articles

۱۷- سعید، نزهه، (۲۰۱۵/۱/۲۰)، ۱۰ حقائق اقتصادی عن البحرين، تاریخ مشاهده (۱۳۹۵/۱۲/۲۹)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://raseef22.com/economy/2015/01/20/bahrain-economic-facts>

۱۸- سویدان العکله، عبدالله، (۲۰۰۹/۱۲/۲۰)، الزراعة فی البحرين، واتا، تاریخ مشاهده (۱۳۹۵/۱۲/۲۷)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://www.wata.cc/forums/showthread.php?63817>

۱۹- محمدحسین، محمد، (۲۰۰۹/۸/۶)، تطور صناعة السفن فی البحرين، الوسط، تاریخ مشاهده (۱۳۹۵/۱۲/۲۷)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://www.alwasatnews.com/news/191040.html>

۲۰- محمدحسین، محمد، (۲۰۰۹)، العيون الطبيعية البریة، تاریخ مشاهده (۱۳۹۵/۱۲/۲۷)، قابل مشاهده در سامانه ذیل:

<http://www.alwasatnews.com/news/326133.html>

منابع انگلیسی:
کتب

1- Hertog, Stoffen & Luciani, Giacomo, (2013), **Business Politics in the Middle East**, C. Hurst & Co Publishing, London, Britain

2- Lawson, Fred (1989), **Bahrain: The Modernization of Autocracy**, Boulder: Westview Press

مقالات

1- Central Bank of Bahrain, (2015), **Economic Indicators, Financial Stability Directorate**, June, No.48

2- Kosmin, Paul. (2013), **RETHINKING THE HELLENISTIC GULF: THE NEW GREEK INSCRIPTION FROM BAHRAIN**, Journal of Hellenic Studies, Harvard University

خبرگزاری

1- Alba, (2017), **History**, available in below link: <http://www.albasmelter.com/About%20Alba/History/Pages/HistoryYear.aspx?Year=1999&Period=1999%20-%202004>

2- Bapco Company, (2017), available in below link: <http://www.bapco.net/en-us/about-bapco/our-history>

3-, (2014), "**Our History**", available in below link: www.bapco.net/en-us/Pages/Our-History.aspx

4- Hobbs, Mark. (2015), **DIVERS ARE A PEARL'S BEST FRIEND: PEARL DIVING IN THE GULF 1840S–1930S**, available in below link: <http://www.qdl.qa/en/divers-are-pearl%E2%80%99s-best-friend-pearl-diving-gulf-1840s%E2%80%931930s>

5- Smart Travel, (2017), **Bahrain Nightlife-Clubs, Bars & Nightlife Tips**, available in below link: <https://www.smartertravel.com/2017/02/13/bahrain-nightlife-clubs-bars-nightlife-tips>

6- Woodward, Martin. (2015), **Bahrain's Economy: Buffeted between Pearls and Oil**, available in below link: <http://www.qdl.qa/en/bahrain%E2%80%99s-economy-buffed-between-pearls-and-oil>